

گرگان از منظر میراث و آیین*

ریحانه خرم‌روی^{۱*}، پرتو پهلوان^۲، الهه ظریف عسگری^۳، سمیه صبوری^۴، پریسا دانشی^۵، پدram صدفی کهنه^۶

۱. پژوهشگر دکتری رشته معماری منظر، پردیس هنر های زیبا، دانشگاه تهران، ایران.
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته معماری منظر، دانشکده معماری، دانشگاه شهید بهشتی، ایران.
۳. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته معماری منظر، پردیس هنر های زیبا، دانشگاه تهران، ایران.
۴. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته معماری منظر، پردیس هنر های زیبا، دانشگاه تهران، ایران.
۵. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته معماری منظر، پردیس هنر های زیبا، دانشگاه تهران، ایران.
۶. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته معماری منظر، پردیس هنر های زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۱/۱۲ تاریخ اصلاح: ۹۸/۱۲/۰۶ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۳/۰۳ تاریخ انتشار: ۹۹/۰۴/۱۱

چکیده

حضور مردم در فضاهای شهری با هدف «بودن در فضا» یکی از مؤلفه‌های سرزندگی فضاهای شهری است که منجر به ارتقای سطح روابط اجتماعی، افزایش امنیت، ایجاد حس تعلق به مکان با امکان افزایش وقوع خاطره فردی و جمعی و کاهش جرم و جنایت در شهر می‌شود. فضاهای آیینی از دیرباز نقش مهمی در شکل‌دهی به منظر شهرها داشته‌اند و از قوی‌ترین تجربه‌های فضاهای جمعی و یکی از علل اصلی شکل‌گیری شهرها بوده‌اند. امروزه مؤلفه‌های کالبدی شهرهای سنتی، حتی در صورت بقا، فاقد پویایی و حضورپذیری هستند و فعالیت آنها تنها محدود به مناسبات خاص اجتماعی و مذهبی شده است. در بازدید میدانی دو روزه از بافت سنتی گرگان آنچه بیش از همه نظر مخاطب را به خود جلب می‌کند، تعدد تکایا، حسینیه‌ها و مساجدی است که به لحاظ قرارگیری در هسته مرکزی محلات، واشدگاه‌هایی با پتانسیل‌های اجتماعی، مذهبی و اقتصادی بالا هستند که در گذشته تجلی‌گاه فرهنگ، دین، حیات اجتماعی بوده و به طور کلی هویت اجتماعی مردم گرگان را شکل داده‌اند. حال آنکه به واسطه تغییر سبک زندگی، نیازهای مردم و الگوی شهرسازی مدرن، این عرصه‌ها به هسته‌هایی خاموش در قلب بافت سنتی و ارزشمند گرگان تبدیل شده‌اند. از این‌رو در این مقاله سعی شده با استفاده از روش توصیف و تحلیل کیفی به بررسی مناظر میراثی و آیینی شهر گرگان در متون و منابع قدیمی و جدید بپردازیم و علل تعدد مساجد و تکایا در این شهر را از میان این متون و بازدید میدانی شهر واکاوی کنیم.

واژگان کلیدی

فرهنگ، منظر میراثی، منظر آیینی، مساجد، تکایا، مرکز محله.

مقدمه و بیان مسئله

مورد اعتقاد جوامع بشری هستند که می‌توانند با بیان تفکرات اساسی مشترک انسان‌ها درباره زندگی، دستورالعملی برای تداوم مفهوم حیات اجتماعی در شهرها باشند. مناظر آیینی، شیوه تبلور یافتن تأثیر آیین‌ها بر زندگی انسان‌ها و کالبد شهرها است که در فرهنگ ایرانیان بر پایه باورهای طبیعت‌گرا، مناسبات نزدیکی با عناصر طبیعی دارند و نوع خاصی از مناظر آیینی را با نتایج اجتماعی و هویتی شکل داده‌اند (برقویی‌فرد، صابونچی و فرزین، ۱۳۹۷، ۶). در ساختار شهر ایرانی، محلات

در میان عوامل متعددی که در طول زمان بر منظر شهر ایرانی تأثیر گذاشته است، تفکرات مذهبی در قالب مناظر آیینی- میراثی است. آیین‌ها شیوه عینیت‌بخشیدن به اساطیر

* این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی «گردشگری منظر بومی گرگان» است که در سال ۱۳۹۸ در پژوهشکده نظر و به سرپرستی دکتر سید امیر منصوری صورت پذیرفته است.

** نویسنده مسئول: r.khoramrouei@ut.ac.ir، ۰۹۱۸۶۰۹۰۱۹۲

پیشینه تحقیق

در حوزه آیین و فرهنگ، مطالعات بسیار زیادی انجام شده و همچنین درباره تاریخ محلات گرگان و منظر شهری آن و پرداختن به اصولی نظیر حس تعلق، حس مکان، رضایتمندی و ... پژوهش‌های بی‌شماری صورت گرفته است. این پژوهش حاصل سفر پژوهشی دوروزه به گرگان است و لذا منابع و متونی که در مقاله به آن اشاره شده حاصل دستاورد سفر دوروزه است. از سویی لازم به ذکر است موضوع آیین و فرهنگ در جای جای ایران به خصوص در شهرهای شمالی کشور نظیر مازندران، گیلان و گلستان به سبب حضور مکان‌های مذهبی متنوع، به قدری گسترده است که مجال پرداختن به آنها در این مقاله نیست. لذا در این پژوهش تلاش شده است با توجه به به بازدید میدانی از شش محله اصلی شهر، بعد آیینی-میراثی شهر را تحت عنوان گرگان از منظر میراث و آیین بررسی کنیم. لذا در این راستا به مقالاتی در حوزه آیین و فرهنگ و محلات گرگان رجوع شده است. در حوزه منظر آیینی «جلال محدثی» در مقاله آیین و منظر (۱۳۸۹) ذکر کرده است که بین جلوه بیرونی و مبنای فکری عکس‌العمل ایرانیان به مناسبت‌ها یک پیوستگی وجود دارد. این پیوستگی بین عین و ذهن، که ریشه در تاریخ باستانی ایرانیان دارد، با مروری بر مبانی و سابقه جشن‌های این سرزمین، قابل پیگیری است. همچنین در مقاله «شهره جوادی» و «حکمت‌اله ملاصالحی» تحت عنوان «نقدی بر اماکن مذهبی-آیینی ایران با تکیه بر پیشینه تاریخی آن» (۱۳۹۶)، حریم، مکان و ساختارهای مقدس دینی-آیینی موجود و فعال در جامعه ایران کنونی شامل کوه‌ها، غارها، چارتاقی‌های مقدس، مسجد و مزار امامان و امام‌زادگان و مقابر پیران و بزرگان دین، همچنین کلیسا و برج‌های آرامگاهی که در دل طبیعت و در کنار رودخانه، چشمه‌سار، جویبار و برکه و قنات قرار دارد، نزد مردم محترم و مقدس بوده و مأمنی برای سلوک متدینان و برآورده شدن حاجات زائران و انجام مراسم دینی-آیینی به مناسبت‌های مختلف است که علی‌القاعده و علی‌المعمول، دینی بوده‌اند. همچنین در این راستا در مقاله شهره جوادی تحت عنوان «اماکن مقدس با پیشینه نیایشگاه «مهر»» (۱۳۹۷) مکان‌های مقدس که در باور و آیین ایرانیان از گذشته تاکنون وجود داشته است، مکان‌های مقدس که در باور و آیین ایرانیان از گذشته تاکنون وجود داشته است، در ارتباط با نیایش خورشید و ماه بوده که در زمان زرتشت نیز تداوم داشته‌اند. با ظهور اسلام و شکل‌گیری فرهنگ جدید این باورها به گونه‌ای نو دگرپرسی کرده و با افکار و رسوم ایرانی-اسلامی آمیخته شده و تاکنون برجا و استوار مانده

همواره یکی از قدیمی‌ترین و پایه‌ای‌ترین عوامل به شمار می‌رفتند. شهر به عنوان یک کل و مرکز آن به طور حتم مهمترین جزء این کل است. همچنین مرکز شهر، هسته این کل و به معنای آن چیزی است که موجب پیدایش شهر شده‌است. به عبارتی دیگر، مرکز شهر، نماینده هستی شهر است. در خصوص محلات نیز می‌توان با بسط الگوی مذکور، این‌گونه بیان کرد که مرکز محلات، هستی آن محله هستند؛ مکانی که می‌توان تمامی ویژگی‌های بارز یک محله را در آن مشاهده کرد. شهر گرگان (استرآباد قدیم) در دوران قاجار دارای ۶ محله بزرگ و اصلی به نام‌های سرپیر، سرچشمه، میخچه‌گران، نعلبندان، سبزه‌مشهد و میدان بوده و همچنین دارای چندین محله فرعی مانند پاسرو، دربنو، دوشنبه‌ای، شیرکش، دباغان و غیره بوده است. امروزه این محلات اصلی و فرعی همچنان با همین اسامی در بافت تاریخی شهر گرگان به حیات خود ادامه می‌دهند. این محلات که تعداد کثیری از مساجد، تکایای قدیمی، زیارتگاه‌ها و اماکن مذهبی شهر را شامل می‌شوند، امروزه بافت قدیمی، معماری سنتی و تاریخی شهر و بخش عمده‌ای از منظر میراثی گرگان را شکل می‌دهند که متأسفانه به دلایل متعددی رفت‌وآمد و شور زندگی در این محلات از بین رفته و استفاده از مکان‌های آیینی نظیر مساجد و تکایا و حسینیه‌ها معطوف به زمان‌های خاصی شده است. بنابراین شناخت تاریخ و سرگذشت شهر و مرکز محله‌های تاریخی آن، می‌تواند پاسخی برای سؤالات پیدا کند. حال سؤالی که در سفر دوروزه پژوهشی در حوزه آیین و فرهنگ ایجاد می‌شود این است که مصادیق و جلوه‌های منظر میراثی و آیینی در مرکز محلات گرگان کدام اند؟ و علل تعدد تکایا و مساجد و حسینیه‌ها به عنوان هسته کالبدی منظر آیینی-میراثی در مرکز محلات گرگان چیست؟ و چرا با وجود تعدد مساجد و تکایا، حضور مردم در این فضاها پررنگ نیست؟

برای پاسخ به سؤالات مطرح شده در این مقاله ابتدا با بررسی متون تاریخی در حوزه شکل‌گیری ایالت جرجان (گرگان امروزی) و وجه تسمیه اسامی و توصیف مناظر فرهنگی، شهری و آیینی که در سفرنامه ایرانیان و مستشاران خارجی آمده است، مضامین مهم آیینی-میراثی و فرهنگی بررسی شده است. لذا در این پژوهش فرض بر این است که تعدد مساجد و تکایا ناشی از استقرار شهر جرجان بر روی خرابه‌های شهر ساسانی است که پس از آوردن اسلام به این شهر مراکز آیینی دوره ساسانی به مساجد تغییر کاربری داده‌اند و از سوی دیگر مراسم و مناسک خاصی که به عنوان فرهنگ و سنت پس از ورود اسلام به ایران وارد شد می‌توانند دلایلی مبنی بر تعدد مساجد و تکایا در گرگان باشند.

به سزایی برخوردار است (مخلص، فرزین و جوادی، ۱۳۹۲، ۲۷). همچنین منظرهای فرهنگی عینیت‌های تاریخی هستند که به نوعی به تعامل پایدار با محیط طبیعی خود دست یافته‌اند. محصول به دست آمده طبیعت ثانویه با منظر فرهنگی است که از تعامل دو جزء طبیعت اولیه و مصنوع انسانی شکل گرفته است (منصوری، ۱۳۹۳، ۴۵).

• منظر آیینی

منظر آیینی به عنوان زیرمجموعه‌ای از منظر و به عنوان بخش مهمی از منظر فرهنگی، منظر نیست که عکس‌العمل جامعه نسبت به نیازهای معنوی‌اش محسوب می‌شود. انسان از دوران باستان تاکنون در پیوندی مستقیم با طبیعت بوده، از این‌رو منظر زیستی و منظر آیینی، متأثر از منظر طبیعی و عناصر سازنده آن بوده است. این امر به ویژه در مورد منظر آیینی هنگامی اهمیت پیدا می‌کند که می‌دانیم عناصر طبیعی منظر، همواره علاوه بر عینیت و عملکرد خود، دارای مفاهیم ذهنی، رمزگونه و معنوی نیز بوده‌اند و به صورت نماد و استعاره از آنها استفاده شده است (خرم‌رویی، ماهان و فرزین، ۱۳۹۸، ۵۴). منظر، تلفیق نمادهای محیط با ادراک انسان از آنهاست. نمادها محصولات زندگی انسان در محیط بوده و متفاوتند. منظر که اغلب نمادهایش فرهنگی باشد، منظر فرهنگی و منظر شهر، که بستر نمادهای زندگی انسان در شهر است، منظر شهری نامیده می‌شود. آیین، زیرمجموعه فرهنگ است و منظر که می‌سازد، در عین آن که فرهنگی است، به واسطه اهمیت نمادهای آیینی در آن، منظر آیینی خوانده می‌شود. تعظیم حماسه عاشورا، آیین شیعیان و مسلمانان پیرو سنت نبوی



تصویر ۱. عوامل سازنده منظر فرهنگی. مأخذ: نگارندگان.

است. همچنین در حوزه منظر فرهنگی «پروانه پرچکانی» (۱۳۹۳) در مقاله «گردشگری میراث فرهنگی (ظرفیت‌های توسعه فرهنگی تهران)» منظر فرهنگی را به دلیل وسعت مفهومی توسط افراد و گروه‌های مختلف به گونه‌های متفاوتی تقسیم و در این دسته‌بندی‌ها عموماً منظر میراثی را در دل منظر فرهنگی مخفی کرده است.

مبانی نظری

• منظر فرهنگی

کمیته میراث جهانی یونسکو، منظر فرهنگی را به عنوان تمایز جغرافیایی سرزمین‌ها یا ویژگی منحصر به فرد آن، چنین تعریف کرده است:

نمایشی مرکب از آثار طبیعی و انسانی (Flower, 2003, 13) و آن را به دسته‌بندی زیر تفکیک کرده است:

• منظره‌ای که آگاهانه به وسیله انسان طراحی و خلق شده باشد.

- منظر اصیل تکامل‌یافته که ممکن است یک منظره به‌جامانده از گذشته یا منظره تداوم‌یافته از گذشته تاکنون باشد. این شکل منظر، از تعامل بین جوامع ابتدایی، معیشت و آداب و آیین‌های آنان با طبیعت به وجود آمده است و شامل دو گونه است:

- منظر میراثی (فسیلی) که در یک فرآیند تکاملی در گذشته شکل گرفته و اکنون ویژگی‌های معنی‌دار و مشخص آن در محیط باقی مانده است (فرآیند تکامل، در گذشته خاتمه یافته است).

- منظر تداوم‌یافته (پایدار) که نقش اجتماعی فعال در زندگی امروز دارد و از سنت‌های گذشته باقی مانده است. تکامل آن هنوز ادامه دارد و آثار و شواهد آن قابل شناسایی است.

- منظر فرهنگی مشترک (مختلط) که ممکن است به خاطر آیین‌ها، هنرها و آمیزش فرهنگ با عناصر طبیعی واجد ارزش شده باشد.

با توجه به تعاریفی که از فرهنگ و منظر فرهنگی ارائه شد در تصویر ۱ نحوه تشکیل هسته اصلی منظر فرهنگی توسط سه عنصر محیط، زمان و انسان دیده می‌شود که رابطه دو سویه هر یک از این عوامل منجر به ایجاد یک عنصر جدید می‌شود (خرم‌رویی، ماهان و فرزین، ۱۳۹۸، ۵۴).

منظر فرهنگی، مفهومی دربردارنده ارزش‌های فرهنگی طبیعی بوده که حاصل تعامل میان انسان و طبیعت در طول تاریخ است. علاوه بر این مناظر فرهنگی دربرگیرنده، حافظ و بیانگر هویت و تاریخ یک منطقه و ساکنین آن هستند و از این‌رو حفاظت از مناظر فرهنگی و ارزش‌های آن از اهمیت

حکومت پارتی توسط اردشیر، سرسلسله حکومت ساسانی، حکومت مستقل گرگان نیز زیر سلطه اردشیر درآمد. در این دوره گرگان، استانی مستقل بود. نام آن در کتیبه سه‌زبانه شاپور در کعبه زردشت و اثر مهرهای اداری این دوره آمده است. در دوره ساسانی به جهت جلوگیری از هجوم اقوام وحشی هون‌ها و ترکان، به ساخت دیوارهای دفاعی نظیر صول (دهستان) به دست پیروز و قباد ساسانی و دیوار دفاعی گرگان توسط خسرو انوشیروان (خسرو اول) اقدام شد. مرکز آن شهر جرجان و جزء دارالضرب دولت ساسانی بود. اگرچه در مورد موقعیت این شهر ساسانی اطلاعی دقیق در دست نیست، لیکن گمان می‌رود حوالی شهر دوران اسلامی جرجان که خرابه‌های آن در کنار شهر جدیدالتأسیس گنبد قابوس است قرار داشته و شهر جرجان که در منابع اسلامی به «یزید بن المهلب» نسبت داده شده است می‌تواند احتمالاً بر روی آثار شهر قدیمی ساسانی ساخته شده باشد (مرتضایی، ۱۳۸۶). در دوران اسلامی مهمترین استقرار انسانی در دشت گرگان به شهر قدیم جرجان خلاصه می‌شود. این شهر در سه کیلومتری جنوب غربی شهرستان کنونی گنبد قابوس قرار دارد. نخستین بار، جرجان در دوره خلافت عمر - خلیفه دوم - به دست سُوید بن مُقرن در سال ۱۸ هجری با پرداخت دویست هزار درهم بدون خونریزی گشوده شد (طبری، ۱۳۷۵، ۱۹۷۷). وسعت شهر در قرون میانی اسلامی مساحتی معادل چهار فرسنگ داشت و به عنوان مرکز ایالت، نشستگاه مرزبانان طبرستان نیز به شمار می‌آمده است (مرعشی، ۱۳۶۳، ۴۰).

جرجان به صورت استقرار کوچکی در حوالی امامزاده زید بن یحیی در بستر رودخانه‌های گرگان رود و چهل چای شکل گرفته است. در دوران سامانی و آل بویه شهر وسعت گرفته و به صورت یکی از مراکز هنر اسلامی درآمد (مرتضایی، ۱۳۸۶). عصر سلجوقی نماد پویایی و شکوفایی اقتصادی و تحولات شهری و اقتصادی در عصر سلجوقی در جرجان به اوج خود رسید و مساحت آن به حدود ۱۲۰۰ هکتار گسترش یافت (کیانی، ۱۳۶۵، ۲۳۱). با حمله وحشیانه مغولان در سال ۶۱۸ هجری و تخریب بخش اعظمی از فضاهای شهری، جمعیت شهر کاهش چشمگیری یافت و به تبع آن حیات اجتماعی شهر را به مخاطره انداخت و موجب افول تدریجی رونق اقتصادی شد. علاوه بر متغیرهای سیاسی می‌توان به تهدیدهای طبیعی چون قرارگیری در مسیر گسل‌های فعال البرز و وقوع زلزله‌های شدید در قرون میانی اشاره داشت (ملویل و امبرسز، ۱۳۷۰، ۱۵۰-۱۵۴). این مهم منجر به متروک شدن شهر در دوره ایلخانی و مهاجرت افراد ساکن در جرجان به کناره مقبره قابوس بن وشمگیر شد. از دوره

است. در ایران این آیین با وام‌گیری از تجربه‌های تاریخی و نمادهای کهن، آنچنان سرتاسری شده که دیگر می‌توان آن را منظر ایرانی خواند. با تعریف بالا، در منظر ایرانی، وصف ایران و ایرانیت غلبه دارد. منظر آیینی عاشورا بیانگر هویت ایرانی است. هویت ایران مجموعه صفتهایی است که در تاریخ بلند این سرزمین، با گزینش جامعه استوار ایرانی گرد آمده است. محرم در هر شهر و روستا ولوله‌ای می‌افکند برای تعظیم حماسه سردار کبیر عاشورا (منصوری، ۱۳۹۲، ۵).

روش تحقیق

در این پژوهش برای تدوین چارچوب نظری ابتدا از روش استنادی استفاده شده است. به این صورت که با مراجعه به کتاب‌ها، نشریه‌ها و سایت‌های مربوطه به وسیله یادداشت‌برداری و فیش‌برداری، اطلاعات مورد نظر برای بیان ادبیات موضوع و مفاهیم مورد نظر و همچنین دیدگاه‌ها و رویکردهای مرتبط با سؤال پژوهش گردآوری شده است و سپس با استفاده از روش‌های توصیفی و تحلیلی اقدام به تهیه و تدوین چارچوب مفهومی پژوهش به منظور ارائه پیشنهادها و نتیجه‌گیری نهایی شده است. ابزار گردآوری اطلاعات در این روش، مشاهدات میدانی دو روزه از سفر پژوهشی به گرگان و از محلات قدیمی این شهر به همراه مطالعات کتابخانه‌ای بوده است.

بحث

• سیر تحول منظر فرهنگی از جرجان دیروز به گرگان امروز با نگاهی به نقشه‌ها و متون قدیمی گرگان، استمرار تاریخی و فرهنگی سکونت انسان از دوره پارینه سنگی جدید تا به امروز قابل مشاهده است. نخستین شواهد استقرار انسانی در غار کیارام - واقع در جنوب گنبدقابوس - به دوره پارینه سنگی جدید برمی‌گردد (ملک شه‌میزرادی، ۱۳۷۹، ۲۵). تپه‌های باستانی تورنگ تپه، یاریم و شاه تپه معرف دوران پیش از تاریخ دشت گرگان هستند (ملک شه‌میزرادی، ۱۳۷۸، ۳۷۵-۳۷۲). در دوران تاریخی نیز نخستین بار نام گرگان - یکی از ایالات امپراطوری هخامنشیان - با عنوان وُرکانه در کتیبه بیستون اشاره شد (شارپ، ۱۳۸۲، ۵۳). در متون تاریخی این دوره نام گرگان به اشکال پارت، پارت، پارت، هیرکانی، هرکانه، هیرکانیه، هیرکانیا آورده شده است. از نظر تقسیمات ایالتی، هیرکانیه در اوایل شاهنشاهی هخامنشی جزو سرزمین ماد به شمار می‌آمد (دیاکونوف، ۱۳۸۰، ۳۲۸). بعدها در دوران هخامنشی جزو متصرفات هخامنشیان شد. در دوره اشکانی، این ایالت از پارت (خراسان) جدا و استقلال یافت (گوتشمیت، ۱۳۵۶، ۱۹۶). با از هم‌پاشیدن

گورستانی بزرگ [که در هیچ شهری به بزرگی آن ندیدیم] برابر شهر در پشت نهر هست که پل دارد. نهرهایش پل و سقف دارند. نهری دیگر نیز در دامنه دارند به نام طیفوری که از دیگری پاکیزه‌تر و گواراتر است. چاه‌های شیرین نیز دارند» (مقدسی، ۱۳۶۱، ۵۲۴). ابن حوقل نیز گرگان را این گونه توصیف می‌کند: «گرگان به وسیله رودی پرآب بزرگ به دو بخش تقسیم شده است و پلی این دو بخش را به هم می‌پیوندد. سمت شرق گرگان و سمت غرب بکرآباد است که از گرگان کوچکتر است و بیشتر ابریشمی که به عمل می‌آید از بکرآباد است» (ابن حوقل، ۱۳۶۶، ۱۲۴).

همچنین در سفرنامه‌های عصر قاجار نیز موارد قابل تأملی وجود دارد که مشاهدات «رابینو» از آن دسته محسوب می‌شود. مسجد جامع گرگان (گزرین) و محلات جماجو (جماجان) - نزدیک حصار نو - و شوش - نزدیک باب الطاق - و دروازه یهودیه از بخش‌های مهمی است که وی بدان توجه داشته است. رابینو در بخشی از سفرنامه خود پیرامون شهر جرجان این چنین می‌نویسد: «... ما به تماشای تپه بزرگی رفتیم که از آثار محل قدیم شهر گرگان است. در شمال غربی شهر، ارگ واقع و شامل یک قصر و بازار و حمام است. حمام مزبور هنوز در وضع نسبتاً سالمی باقی مانده بود. ارگ مذکور بر ساحل شرقی نهرقرنگی تمام یا خرمارود واقع بود که شعبه‌ای از گرگان رود است و به وسیله مجاری سنگی آب از گرگان و قرنگی امام به شهر می‌رفته است» (رابینو، ۱۳۸۳، ۱۴۴-۱۴۲). «مرتضایی» به نقل از مقدسی در مقاله «مطالعه زیرساخت‌های طبیعی و فرهنگی در شکل‌گیری شهر گرگان در دوران اسلامی» آورده است: در منابع جغرافیایی جانب خاوری را شهرستان ذکر کرده و از باغستان‌های انار، زیتون، خربزه و نارنج و لیمو و انگور یاد می‌کند و نهرهایی که بر روی آنها پل بسته‌اند. میدانی در مقابل دارالاماره بوده و شهر نیز دارای نه دروازه بوده است و نام محلات آن را می‌آورد. شهری گران‌قدر و ثروتمند بازارها و مساجد آن زیبا و هم‌او یاد می‌کند که مسجدها را نقاشی کرده و دیوارها را آراسته‌اند و در میان شهرها آن را مشابه شهر دمله فلسطین می‌دانند (مرتضایی، ۱۳۸۶، ۱۴۰).

لذا با توجه به متون برگرفته از اسناد و مدارک تاریخی می‌توان گفت گرگان هم نظیر سایر شهرهای باستانی دیگر در کنار رود پرآب بنا شده است و در آن وجود تپه‌های باستانی مؤکد حضور نیایشگاه‌های مهری خواهند بود. علاوه بر آنها حضور نام‌هایی با عناوین طبیعی مانند محله پاسرو، سبزه مشهد، سرچشمه و امثال آنها نماینگر حضور مستقیم طبیعت در ساختار شهری و محله‌ای بوده و این امر نشان از پیوند طبیعت و آیین بین مردم این شهر است. لذا جلوه‌های

ایلخانی به بعد، شهر استرآباد که پیش از این یکی از شهرهای مهم ایالت جرجان به شمار می‌آمده، به مرکزیت ایالت جرجان تبدیل شد و به القاب دارالفتح، دارالملک و دارالمومنین مزین شد (مخلص، ۱۳۸۵، ۱۶۱).

مصادیق و جلوه‌های آیین، سنت و محلات گرگان از نگاه سفرنامه‌نویسان

مکان‌های مقدس که در باور و آیین ایرانیان از گذشته تاکنون وجود داشته است، در ارتباط با نیایش ایزدان خورشید و ماه بوده که در زمان زرتشت نیز تداوم داشته‌اند. با ظهور اسلام و شکل‌گیری فرهنگ جدید این باورها به گونه‌ای نو دگرگونی کرده و با افکار و رسوم ایرانی-اسلامی آمیخته شده و تاکنون برج و استوار مانده است. مکان‌های مذهبی-آیینی که روزگاری نیایشگاه مهر و آناهیتا بوده‌اند بعداً به آتشکده و سپس به مساجد، امامزاده و مزار پیران و بزرگان دین اسلام تبدیل شده‌اند. اغلب این نیایشگاه‌ها در جوار کوه، چشمه و درختان کهنسال برپا می‌شده است. دیر زمانی پیش از ساخت بناهای آیینی و مقدس یا چارتاقی‌ها، درخت، چشمه، چاه و غارهای مقدس وجود داشته که محل زیارت و توسل مردم بوده‌اند و چنانکه «هرودوت» می‌گوید: ایرانیان معبد نداشته و در فضای باز به نیایش می‌پرداختند. در گذر زمان چارتاقی‌ها در جوار صخره، غار، کوه، چشمه و درخت برپا شد که تاکنون نیز مورد احترام و ملجأ و مأمن حاجت‌مندان هستند (جوادی، ۱۳۹۷، ۱۰۰). در صدر اسلام زمانی که مسلمانان سرزمینی را فتح می‌کردند مطابق با سنت پیامبر در فتح مدینه ابتدا مسجدی برپا می‌داشتند؛ مسجد علاوه بر نقش مذهبی مکان استقرار دولت اسلامی نیز است (حبیبی، ۱۳۹۵، ۷۳). اگر از پیش، معبد یا آتشکده‌ای در شهر موجود بود، آن را به مسجد تبدیل می‌کردند. لذا با توجه به این سیر تاریخی به اسناد و مدارکی که در سفرنامه‌ها به آنها در حوزه شکل‌گیری هسته‌های آیینی و مراکز محلات گرگان اشاره شده است می‌پردازیم:

در توضیحات مربوط به بافت شهری جرجان می‌توان به «مقدسی» جغرافی‌دان قرن چهارم هجری - اشاره کرد. وی می‌نویسد: «گرگان تپه کوچه دارد، نخست کوی سلیمان، سپس کوی قومسیان، سپس کوچه راه حیان، سپس کوی کونده، سپس کوی بادنجان، سپس کوی بارگاه پیش از آن کوی خراسان است. بکرآباد به آن چسبیده، میان آن دو نهری و پلهائی است. شهرمانندی است آباد. مساجدی زیبا و پیران بزرگواری دارد. مساجدش را نقاشی کرده و دیوارها را دامن آراسته. شهر مثل فسا و بغداد دو بخش است و طبق معمول دکان و منبر را با هم دارد. کنار کاخ امیر، میدانی است.



تصویر ۲. همجواری توت ۲۰۰ ساله با مصلی گرگان، عکس: ریحانه خرم‌رویی، ۱۳۹۸.

می‌کرده‌اند. عناصر عملکردی و کالبدی حول محور اصلی ارتباطی محله در نقطه کانونی شهر مستقر شده و معمولاً نیز اندکی گشادگی در فضا، میدان محله را تعریف می‌کرده است. عملکرد این میدان به ویژه در ایام مراسم مذهبی نظیر عاشورا قابل توجه است (روشنی، رضوانی و پاسیان خمیری، ۱۳۹۷، ۹۳). پس یکی از عوامل بسیار مهمی که موجب تعدد تکایا در گرگان شده اعتقادات و رسومات موجود در این شهر است. احتمالاً ریشه‌های این موضوع علاوه بر نظام مدیریت تکایا که توسط خانواده‌ها صورت می‌گرفته منبعت از فرهنگ نیز است. لذا ساکنین محلات مختلف هریک ویژگی قوم و تبار خود را مطرح کرده و کشمکش در بین آنان وجود داشته است. از این‌رو تکیه‌سازی و برگزاری مراسم تعزیه در میدان‌گاه‌های شهری موجب ایجاد واشدگاه‌ها در دوران قاجار بود. گرگان با توجه به مکتوبات و اسناد شهر گرگان در قرن پنجم هجری یکی از شهرهای مهم اقتصادی در مسیر تاریخی و استراتژیک ابریشم به شمار می‌رفته و در سفرنامه‌ها ذکر شده است که این شهر به علت تولید ابریشم و باغات فراوان به لحاظ اقتصادی پذیرای مهمانان و تجار فراوانی بوده است. پس فضاهای مذهبی متعدد و همچنین تکایا می‌توانستند مأمین امنی برای رهگذران و مسافران تلقی شوند. همچنین با توجه به این امر که در شهرهای شمالی ایران نظیر سایر شهرهای دیگر ارادت به امام حسین و برگزاری مراسم عاشورا اهمیت ویژه‌ای دارد و جزو یکی از مهمترین مناظر آیینی ایران محسوب می‌شود، خود دلیلی است بر اینکه هر محله‌ای برای اعضای محل خود فضایی در شأن آنها ساخته و در روز عاشورا به مردم محله و سایر محلات دیگر نذری دهند. در واقع در سایه اعتبار ائمه و معصومین اهل محل که بضاعتشان نسبت به سایرین بیشتر بود به تکیه‌سازی دست زدند و هر

منظر آیینی در گرگان را می‌توان در سه حوزه نماد و اسطوره شامل اعداد، رنگ، عناصر طبیعی و ...، کالبد و بنا شامل تکایا، مساجد، امامزاده، مسجد-مدرسه، حسینیه، ملاخانه، گورستان و ... و در نهایت به سنت و اعتقادات و آداب و رسوم تقسیم‌بندی کرد. بخش اعتقادات و آداب و رسوم که فرهنگ این منطقه را شکل می‌دهد بزرگترین و بیشترین تأثیرات را بر چهره شهر گرگان گذاشته است و تمامی فعالیت‌ها و مراسم آیینی و همچنین ساخت بناهای متبرکه از این امر ناشی می‌شود (تصویر ۲؛ جدول ۱).

عوامل مؤثر در شکل‌گیری تعدد تکایا در بافت تاریخی گرگان

در زمان قاجار ایران به ۴ ایالت و ۱۲ ولایت تقسیم شده بود و منطقه یا سرزمین استرآباد یکی از آن ولایات بود که به ۸ یا ۷٫۵ بلوک به نام‌های انزان، سدن رستاق، استرآباد، شاهکوبین و ساور، دهات ملک، کتول، فندرسک و رامیان، و کوهسار تقسیم شده بود. هریک از این بلوک‌ها را یک نایب‌الحکومه زیر نظر حکمران استرآباد اداره می‌کرد. استرآباد یکی از آن ولایات و پایگاه طایفه قاجار بود که با لقب دارالمومنین دارای اهمیت مذهبی شد. اوایل سده بیستم گرگان دارای شمار زیادی مسجد، آرامگاه مذهبی، مدرسه دینی و تکیه بود. اهمیت استرآباد به جهت سیاسی و دینی در این دوره باعث شد زبان گرگانی منقرض و جای خود را به زبان فارسی دهد (سایت خبری-تحلیلی شعار سال، ۱۳۹۸). اوایل دوران پهلوی ساختار شهر به سبک قاجار بود. سازمان فضایی اولیه شهر الگوی ستاره‌ای داشت که مسجد جامع در مرکز و محلات مسکونی در امتداد آن و شریان‌های اصلی هسته مرکزی شکل گرفته بودند (حاجی عیدی، ۱۳۹۲، ۱۱۷). محلات و گذرگاه‌ها دارای میدان‌گاه با اشکال چهارضلعی مربع و مستطیل، برخی نامنظم، دوزنقه و ... بودند. در این مکان‌ها عناصری مانند تکیه، قبرستان، چشمه، آب انبار، مسجد، حمام، مدرسه و ملاخانه و بعضاً درخت چنار و توت کهنسال قرار داشت. بافت قدیمی با اینکه در ظاهر ممکن است بافت همگنی به نظر برسد، دارای تفاوت‌های عمیقی در درون خود است و اختلافات قابل توجهی بین محلات مختلف آن وجود داشته و همین اختلاف باعث نوعی احساس تفاخر در بین ساکنین هریک از محلات شده است و ساکنین هر محله یکی از ویژگی‌های محله خود را بارزتر می‌داند. پیوندهای اجتماعی نظیر ویژگی‌های تباری یک قوم، همبستگی افراد محله را تأمین کرده و عناصر عملکردی کالبدی ویژه شامل خدمات محله‌لی، حمام و تأسیسات مذهبی به خصوص تکایا و حسینیه‌ها، استقلال و هویت کالبدی محلات را تعریف

جدول ۱. مصادیق و جلوه‌های محلات گرگان از منظر میراث و آیین. مأخذ: نگارندگان.

نمونه موردی	علایم و نشانه‌ها	جلوه‌ها
<p>منظر عاشورایی (ترکیب رنگ‌های سبز و قرمز و سیاه) منظر چهارشنبه‌سوری درخت سرو و توت، چنار، منظر کوه زیارت و جنگل‌های انگدره و ... امام حسین، اسامی امامان و اهل بیت، و ... علم، نخل، چوب، شمع و ... نام‌گذاری برخی از مساجد با نام پنج تن، ۷۲ تن و امثال آنها، اعتقاد به عدد چهل</p>	<p>رنگ آب + آتش + باد + خاک = عناصر چهارگانه مقدس عناصر طبیعی نظیر گیاهان + کوه + سنگ + خورشید و ... اسطوره‌سازی برای اشخاص اشیاء اعداد</p>	<p>نماد و اسطوره‌سازی</p>
<p>در اسناد تاریخی آمده است که شهر جرجان به نام هیرکانا بخشی از محل سکونت هخامنشیان بوده و برخی از امامزاده‌های کنونی در گرگان می‌تواند بر روی ساختارهای پیش از اسلامی بنا شده باشد؛ نظیر بی بی سبز و امامزاده نور ...</p>	<p>معابد و فضاهای مسکونی پیش از اسلام</p>	<p>کالبد و بنا</p>
<p>بی بی سبز، امامزاده نور و ... مقبره استاد محمدرضا لطفی، گورستان امامزاده عبدالله واقع در روستای زیارت</p>	<p>آرامگاه و بقعه‌ها مقابر گورستان‌ها و مزارها</p>	
<p>امامزاده نور، امامزاده زید بن یحیی مسجد مدرسه، مسجد جامع گرگان، مسجد در اکثر محلات دیده می‌شد (هر محله مسجدش نام اختصاصی خود را داشت) تکایا در اکثر محلات دیده می‌شد (هر محله تکیه با نام اختصاصی خود را داشت) ۱۲ مرکز محله که اصلی‌ترین آنها نعلبندان، سبزه مشهد و میدان است.</p>	<p>امامزاده‌ها حسینیه اماکن مذهبی مساجد تکایا ارسن‌های باز شهری نظیر مرکز محله‌ها</p>	
<p>مصلی بزرگ واقع در محله سبزه مشهد سقاخانه در محله دوشنبه‌ای‌ها</p>	<p>مصلی سقاخانه</p>	
<p>در گرگان علاوه بر اماکن مذهبی یادشده ساختار فضایی - کالبدی و ذهنیت ایجاد شده حاصل از مرکز محلات و کوچه‌ها در دست‌بندی منظر آیینی پی‌گنجد. در کوچه‌ها نیز دسته‌های عزاداری معمولاً از تکیه میدان به راه افتاده، از یکی از گذرهای درب نو وارد تکیه درینو از درینو به نعلبندان و سپس پاسرو، از پاسرو به میخچه‌گران و سرپیر و پس از آن وارد سبزه مشهد می‌شود. از سبزه مشهد به سرچشمه رفته و از آن جا به دوشنبه‌ای و در پایان کار، مجدداً به میرکریم و میدان عباسعلی باز می‌شوند (مقسومی و اسپو محله‌ای، ۱۳۹۵)</p>	<p>منظر محلات و کوچه‌ها</p>	
<p>منظر نوروز، منظر سبزه بدر منظر عاشورا، منظر شب‌های قدر جشن چهارشنبه‌سوری، جشن ازدواج و ... نذوراتی نظیر طبخ غذا و پخش آن بین فقرا (پختن زرشک پلو با مرغ و خورشت قورمه سبزی) در عاشورا</p>	<p>اعیاد باستانی و ملی اعیاد مذهبی مراسم عزاداری مراسم شادی و جشن نذورات</p>	<p>سنت (اعتقادات و آداب و رسوم)</p>
<p>قربانی گوسفند و گاو در عید قربان سنت ازدواج، اعتقاد به اعداد، آویختن نوار و پارچه به درختان مقدس نظیر توت، بلوط و چنار، مراسم سینه‌زنی، توق‌بندان، پامنبری و دسته‌چوبی</p>	<p>قربانی کردن اعتقادات، باورها و آداب و رسوم</p>	

داشته‌اند. به بیانی شاید بتوان نقش آیینی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آن بر زندگی جمعی مردم محله را پررنگ‌تر از نقش مذهبی آن دانست. در شهرهای اسلامی، مراکز مذهبی به عنوان کانون‌های تجمع بافت‌های شهری محسوب می‌شوند. از بعد معنا آیین‌های جمعی سبب ایجاد فضاهایی خاطره‌انگیز، بامعنا و نمادین شده و در هویت‌بخشی به فضاها و حس‌تعلق به آنها اثرگذار بوده است (علی‌الحسابی و پایکن، ۱۳۹۲، ۷۷). بافت تاریخی شهر گرگان از اوایل حکومت پهلوی، تغییرات و تحولات گسترده خود را آغاز کرد. خیابان‌کشی‌های صورت‌گرفته در دوره پهلوی اول، چهره شهر قدیم استرآباد را برای همیشه دگرگون ساخت و با ایجاد خیابان‌های جدید شامل خیابان امام خمینی کنونی در طی سال‌های ۱۳۱۱ تا ۱۳۱۳ و سپس خیابان‌های سر پیر (شهید)، مولن روژ (آذر کنونی)، سرخواجه و سایر خیابان‌های دوره‌های بعد، بناهایی با چهره‌ها و عملکردهای جدید مانند ادارات، مدارس، صنایع و ... در شهر حضور پیدا کردند.

در این دوره برتری خیابان و رقابت بر سر استقرار در کنار آن، شیوه‌های گذشته معماری شهر را دچار تغییر و تحولاتی کرد. گذرها، تکیه‌ها و مراکز محلات که در طول تاریخ طولانی شهر، کانون اصلی تحولات بودند کم‌کم با حضور عناصر جدید رنگ باختند. تغییرات کالبدی و تغییر در شیوه‌های زیست و گذران زندگی با تغییرات اجتماعی نیز همراه شد و سیر تغییرات جمعیتی و اجتماعی بافت قدیم یا همان شهر قدیم علی‌رغم مقاومت‌های اولیه ساکنان بومی آغاز شد. با گذشت زمان و توجه هرچه بیشتر به نقاط و نواحی بیرون از دیوارهای قدیم شهر، خروج از بافت و زندگی در مناطق بیرونی به ویژه نواحی با آب‌وهوای بهتر جنوبی به خواست اصلی ساکنان اصیل بافت به ویژه در نسل‌های بعدی تبدیل می‌شود (روشنی و همکاران، ۱۳۹۷، ۹۳). لذا به نظر می‌رسد آنچه در قلب بافت تاریخی گرگان و مراکز محلات (با وجود عنصر آیینی و مذهبی ارزشمند) سبب سکون و خاموشی و در پی آن بروز معضلات اجتماعی، اقتصادی و هویتی شده است، تغییر سبک زندگی و ارزش‌های مردم و به نوعی تغییر نیازهای انسان امروز نسبت به گذشته است. از سویی دیگر الگوی شهرسازی جدید گرگان و خیابان‌کشی‌های صورت‌گرفته در محور شرقی-غربی، بافت تاریخی و ارزشمند شهر را دچار گسستگی و جدایی کالبدی و ذهنی کرده است. گسست ایجادشده در لایه‌های تاریخی شهر، سبب فاصله‌گرفتن مردم از زمینه تاریخی خود و روی آوردن به زندگی مدرن و درنهایت گذار از هویت تاریخی و ارزشمند گذشته است.

خانواده تکیه‌ای برای خود مهیا ساختند. لذا علل تعدد تکایا و مساجد در گرگان را می‌توان در سنن و فرهنگ گرگان نیز جستجو کرد. به گفته «علی نصیبی» از ساکنان شهر گرگان ویژگی‌های خاص عزاداری محرم در گرگان شامل مراسم طوق‌بندان، علم‌مُشتی، حرکت دسته‌عزاداری از هریک از محله‌های تاریخی در یک شب خاص و مشخص شروع می‌شود و عزاداری در پیرتکیه‌ها و تکیه‌های گوشواره، چهل منبره و دسته‌چوبی صورت می‌پذیرد. در مراسم چهل منبره که در غروب تاسوعا انجام می‌شود، خانواده‌ها منبری را که از چند نسل قبل به آنان رسیده در منزل قرار داده و ضمن روشن کردن شمع بر روی آن، غذاها و نوشیدنی‌هایی همچون قورمه‌سبزی، شربت تخم شربتی و ... نیز بر آن گذاشته تا مهمانان که عمدتاً خانم هستند با آن پذیرایی شوند. خانم‌های گرگانی اعتقاد دارند اگر در چهل خانه و بر سر چهل منبر حاضر شده و بر روی هر منبر شمعی روشن کنند حاجتشان برآورده می‌شود. در واقع اعتقاد به عدد چهل را نیز می‌توان نوع دیگری از اعتقادات در منظر آیینی این شهر دانست. البته برخی از این رسوم و باور در دیگر شهرهای ایران مانند خراسان و آذربایجان نیز وجود دارد. دسته‌چوبی نیز در اولین شب بعد از عاشورا در محلات تاریخی شهر به راه می‌افتد و طی آن افراد چوب‌های بلندی را در دست می‌گیرند و با دم مداح چوب‌ها را به بالا و پایین حرکت می‌دهند. در بین جمعیت نیز افرادی با مشعل‌های روشن حرکت می‌کنند تا فضا را برای عزاداران روشن نگه‌دارند. همچنین علاوه بر مراسم عزاداری گذران ساعت تحویل سال در اماکن متبرکه یکی دیگر از سنن و آیینی است که هر ساله در گرگان انجام می‌شود. دختران و پسران تازه ازدواج کرده و البته عده‌ای دیگر از مردم گرگان، به جهت داشتن سالی خوش و سرشار از موفقیت در هنگام تحویل سال نو در امامزاده نور واقع در محله تاریخی سرچشمه حضور می‌یابند و به خواندن دعا و طرح حاجات خود می‌پردازند. لذا وجود اعتقادات و آیین و فرهنگ در گرگان عاملی جهت ازدیاد اماکن مذهبی نظیر مساجد و تکایا شده است.

علل عدم حضورپذیری مردم در تکایا و مساجد بافت سنتی گرگان

بعد از ظهور اسلام و ورود مسلمانان، تکایا و عناصر مذهبی در هسته‌های سکونتی و در متن شهرها شکل گرفت و باتوجه به محل قرارگیری و جمعیت کم مردم، در کنار نقش مذهبی و برگزاری مناسبات دینی و آیینی، به عنوان عنصری ارزشمند، عامل همبستگی و وحدت مردم در محله بوده و درعین تعلق به طبقات مختلف جامعه، نقشی سیاسی و اجتماعی

این تحولات متأسفانه در دیگر شهرهای تاریخی ایران نیز صدق می‌کند.

نتیجه‌گیری

امروزه اهمیت و نقش محلات و به ویژه مراکزشان در بافت تاریخی شهر گرگان بسیار کم‌رنگ شده است. همانگونه که پیشتر ذکر شد مرکز شهر، قلب تپنده یک شهر است ولی با کاهش سکونت و معیشت، جریان زندگی در این مراکز کم‌رونق شده است. علی‌رغم کاهش رونق زندگی در محلات تاریخی شهر گرگان، اما همچنان آیین، مهمترین عاملی است که می‌تواند موجب ادامه حیات این محلات شود. هر ساله مراسم خاص آیینی نظیر عزاداری ایام ماه محرم و به‌ویژه روز عاشورا در این مکان‌ها برگزار می‌شود؛ و این همان حلقه گمشده‌ای است که قادر است مراکز محلات را مانند زنجیرهایی به هم مرتبط و به احیای آن کمک کند. در واقع این مراکز محلات به واسطه گذر یا کوچه به یکدیگر متصل می‌شوند که در واقع مسیر آیینی شهر گرگان است؛ در محلات تاریخی شهر گرگان، آیین نه تنها در گذشته عاملی برای شکل‌گیری بسیاری از محلات بوده، بلکه امروزه نیز می‌توان در جهت تجدید حیات در مراکز محلات از آن بهره جست.

وجود تکایای متعدد در بافت تاریخی گرگان نشأت گرفته از دو عامل اصلی فرهنگ و اقتصاد است در میان این دو عامل فرهنگ نقش عمده‌تری ایفا می‌کند که خود شامل حافظه تاریخی مردم گرگان از حملات دشمنان در گذشته است که موجب تقسیم‌شدن بافت شهری به چند هسته مستقل شده است. این تقسیم‌بندی باعث شد تا اختلافات و رقابت‌های بین محله‌ای و سنت‌هایی که در دوره قاجار شکل گرفته بود اوج بگیرد و منجر به ایجاد تکایای متعدد شود.

از سویی پایین‌آمدن قیمت زمین در بافت تاریخی که ناشی از عدم رغبت ساکنین به زندگی در این بافت است، حاصل مدرنیسم و تغییر سبک زندگی افراد بوده و موجب مهاجرت از مرکز به حاشیه شهری نوساز شده است و این مقوله در کنار تمایل افراد به ایجاد اعتبار ارزشی به وسیله تکیه‌سازی سبب عدم توازن کاربری در بافت شده است. در حال حاضر بافت تاریخی گرگان با مسائل عدیده‌ای مواجه است که مهم‌ترین آنها ترک‌شدن بافت توسط ساکنین است. بدین‌منظور لازم است تا بافت تاریخی با فراهم‌کردن شرایط مطلوب برای زندگی حیات مجدد را به آن مجموعه بازگرداند. با توجه به بازدید میدانی و مصاحبه محلی صورت گرفته، می‌توان اینگونه برداشت کرد که راهکار احتمالی برای افزایش حضورپذیری و بازگرداندن نسبی شور زندگی

در مراکز محلات (با در نظر گرفتن تغییر سبک زندگی امروزی)، کنار هم قراردادن فعالیت‌های مذهبی، اقتصادی، اجتماعی، آموزشی و فرهنگی است که در این بین ارتباط عمیق فعالیت‌های اقتصادی و مذهبی که از گذشته نیز تأثیر عمیقی در هویت‌مندی و سرزندگی هسته‌های شهری داشته قابل توجه است. انتظار می‌رود چنین فضاهای مستعد با پتانسیل‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، برخلاف کاربری تک‌جانبه که امروزه شاهد آن هستیم، به عرصه‌هایی پویا، زنده و چندعملکردی در قلب بافت میراثی و اصیل گرگان تبدیل شوند.

فهرست منابع

- ابرقویی فرد، حمیده؛ صابونچی، پریچهر و فرزین، احمدعلی. (۱۳۹۷). بازخوانی نقش مناظر آیینی در هویت بخشی به شهرهای ایرانی، *باغ نظر*، ۱۵(۶۵)، ۵-۱۲.
- ابن حوقل، ابوالقاسم محمد. (۱۳۶۶)، *صوره الارض* (ترجمه جعفر شعار)، تهران: امیرکبیر.
- پرچکانی، پروانه. (۱۳۹۳). گردشگری میراث فرهنگی (ظرفیت‌های توسعه فرهنگی تهران)، *منظر*، (۲۸)، ۲۴-۲۹.
- جوادی، شهره و ملاصالحی، حکمت‌اله. (۱۳۹۶). نقدی بر اماکن مذهبی-آیینی ایران با تکیه بر پیشینه تاریخی آن، *مجله هنر و تمدن شرق*، ۵(۱۶)، ۲۳-۳۲.
- جوادی، شهره. (۱۳۹۷). اماکن مقدس با پیشینه نیایشگاه «مهر»، *مجله هنر و تمدن شرق*، ۶(۱۹)، ۱۰-۱۵.
- حاجی عیدی، حجت‌الله. (۱۳۹۲). *بازسازی بافت تاریخی جهت هویت بخشی به فضاهای شهری*. پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد، واحد علوم تحقیقات سیرجان، کرمان.
- حبیبی، محسن. (۱۳۹۵). *از شار تا شهر*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- خرم‌رویی، ریحانه؛ ماهان، امین و فرزین، احمدعلی. (۱۳۹۸). تبیین مفهوم منظر آیینی و بررسی جلوه‌های تبلور آن. *مجله هویت شهر*، ۱۳(۳۸)، ۵۱-۶۲.
- دیاکونوف، ایگور میخائیلوویچ. (۱۳۸۰). *تاریخ ماد* (ترجمه کریم کشاورز)، تهران: علمی فرهنگی.
- رایینو، هیاسین لویی. (۱۳۸۳). *مازندران و استرآباد*، (ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی)، تهران: علمی و فرهنگی.
- روشنی، صالح؛ رضوانی، نوشین و پاسیان خمی، رضا. (۱۳۹۷). سنجش و رتبه‌بندی حس تعلق مکانی محلات بافت تاریخی گرگان، *مجله مرمت و معماری ایران*، ۸(۱۵)، ۸۹-۱۰۶.
- شارپ، رالف نورمن. (۱۳۸۲). *فرمان‌های شاهنشاهی هخامنشی*، تهران: پازینه.

- طبری، محمد بن جریر. (۱۳۷۵). تاریخ طبری (ترجمه ابوالقاسم پاینده). تهران: اساطیر.
- علی‌الحسابی، مه‌ران و پایکن، عصمت. (۱۳۹۲). تدوین چارچوب مفهومی تعامل شهر و آیین‌های جمعی و بررسی مصداق‌های آن در آیین‌های عاشورایی. فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، (۱۲)، ۲۷-۳۶.
- کیانی، محمد یوسف. (۱۳۵۴). گزارش مقدماتی کاوش‌های جرجان. گزارش‌های سومین مجمع سالانه کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی در ایران، زیر نظر فیروز باقرزاده، تهران: مرکز باستان‌شناسی ایران.
- گوتشمیت، آلفرد. (۱۳۵۶). تاریخ ایران و ممالک همجوار آن از زمان اسکندر تا انقراض اشکانیان. (ترجمه کی‌کاووس جهان‌داری)، تهران: علمی.
- محدثی، جلال. (۱۳۸۹). آیین و منظر (شکل‌گیری منظر شهری آیینی در مناسبت‌های اجتماعی، منظر، (۱۰)، ۱۸-۲۱.
- مخلص، فرنوش؛ فرزین، احمدعلی و جوادی، شهره. (۱۳۹۲). مزار پیرمراد، منظر فرهنگی، آیینی شهرستان بانه، باغ نظر، (۱۰)، ۲۷-۳۸.
- مخلصی، محمدعلی. (۱۳۸۵). آثار باستانی جرجان، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، جلد دهم، تهران: بنیاد دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- مرتضایی، محمد. (۱۳۸۶). مطالعه زیرساخت طبیعی و فرهنگی در شکل‌گیری شهر گرگان (جرجان) در دوران اسلامی با مطالعه موردی: کاوش در محوطه اسلامی شهر گرگان، مجله هنری، فنی
- اثر، (۴۲)، ۱۴۰-۱۴۶.
- مرعشی، میرظهیرالدین. (۱۳۶۳). تاریخ طبرستان و رویان و مازندران (به اهتمام برنهارد دارن). تهران: نشر گستره.
- مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد. (۱۳۶۱). احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم (ترجمه علینقی منزوی). تهران: شرکت مولفان و مترجمان ایران.
- مقسمی، گلشن و مریم اسپو محله‌ای. (۱۳۹۵). مراسم آئینی محرم در بافت تاریخی گرگان، فصلنامه مطالعات فرهنگی، (۱۲)، ۲۱-۲۸.
- ملک شه‌میرزادی، صادق. (۱۳۷۸). ایران در پیش از تاریخ: باستان‌شناسی ایران از آغاز تا سپیده دم شهرنشینی، تهران: معاونت پژوهشی میراث فرهنگی کشور.
- ملک شه‌میرزادی، صادق و جبرئیل نوکنده. (۱۳۷۹). آق تپه، تهران: معاونت پژوهشی سازمان میراث فرهنگی کشور.
- ملویل، چارلز و امبر، سزن. (۱۳۷۰). تاریخ زمین لرزه‌های ایران، (ترجمه ابوالحسن رده)، تهران: آگاه.
- منصوری، سید امیر. (۱۳۹۲). منظر آیینی، منظر، (۲۴)، ۵-۶.
- منصوری، سیدامیر. (۱۳۹۳). منظر فرهنگی، یک اصطلاح عامیانه، منظر، (۲۸)، ۴۵-۴۶.
- Fowler, P. J. (2003). *World Hertaige cultural Landscapes 1992-2002*. world Heritage papers 6 (2003). Paris: Unesco world Heritage center.
- <https://shoaresal.ir/fa/news>

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to the journal of art & civilization of the orient. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

خرم‌رویی، ریحانه؛ پهلوان، پرتو؛ ظریف عسگری، الهه؛ صبوری، سمیه؛ دانشی، پریسا و صدفی کهنه، پدram. (۱۳۹۸). گرگان از منظر

میراث و آیین. مجله هنر و تمدن شرق، ۸ (۲۸)، ۲۲-۱۳.

DOI: 10.22034/JACO.2020.218052.1142

URL: : http://www.jaco-sj.com/article_109805.html

